



An Imagological Study of Elif Shafak's *The Bastard of Istanbul*

Sepideh Ahmad Khanbeigi  *

Master of Persian language and
literature, Tehran, Iran

Abstract

Internationalization and modernization of the globe have played their roles in the process of cultural interaction between globalized societies and consequently found their way to the world of literature under the name of “imagology”. *Imagology* has made it possible for the reader to understand the author's thoughts and judgments of others. The present research focuses on the intercultural images portrayed in the novel of a popular Turkish-French writer, Elif Shafak about the lifestyle, traditions, habits, and social norms of Turkish, Americans, and Armenians. The novel seeks to articulate a more intricate multicultural memory of Turkishness by grieving over the Armenian massacre. Taking imagology methodology into account, the third aspect of ethnotyping *_textual_* was adopted to study Shafak's work. This study finds that, as a mixture of multiple lifestyles and discourses, *The Bastard of Istanbul* reflects not only images of oriental culture but also occidental cultures. This means that the author has attempted to maintain selfhood through historical and cultural recollection, which resulted in constructing self and other identity.

Keywords: Times New Roman 12, separated by commas and should be between 4 to 7 words.

* Corresponding Author: khanbeigi.s@gmail.com

How to Cite: Ahmad Khanbeigi, S. (2025). An Imagological Study of Elif Shafak's *The Bastard of Istanbul*, *Comparative and Interdisciplinary Studies of Literature*, 1(1), 291-306. DOI: 10.22054/CISL.2025.53631.1000

مطالعه تصویرشناسی در رمان ناپاکزاده استانبول، اثر الیف شافاک

سپیده احمد خان بیگی * ID کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، تهران، ایران

چکیده

بین‌المللی‌سازی و نوسازی جهان، نقش خود را در روند تعامل فرهنگی جوامع جهانی ایفا کرده است و راه خود را به جهان ادبیات، تحت عناوینی چون «تصویرشناسی» باز کرده‌اند. تصویرشناسی، این امکان را به خواننده می‌دهد تا با افکار و قضاوت‌های نویسنده آشنا شود. تحقیق حاضر، کوششی است برای بررسی تصاویر بینا فرهنگی که در رمان حرامزاده استانبول اثر نویسنده محبوب ترکفرانسوی، الیف شافاک تصویر کشیده شده است. در این رمان، سبک‌های زندگی، سنت‌ها، عادت‌ها و هنجارهای اجتماعی ترکی، آمریکایی و ارامنه نشان داده شده است. نویسنده بر آن است که با اندوه از قتل عام ارامنه، تصویر غامض تری از چند فرهنگی بودن ترک‌ها ارائه دهد. با در نظر گرفتن روش‌شناسی تصویرشناسی، سومین جنبه قوم‌شناسی که بررسی اثر در سطح متنی^۱ است، برای مطالعه به کار گرفته شده است. نتایج مطالعه حاضر، نشان می‌دهد که حرامزاده استانبول، با ترکیبی از شیوه‌های زندگی و گفتمان‌های مختلف، نه تنها تصاویری از فرهنگ شرقی، بلکه فرهنگ غربی را هم به خواننده معرفی می‌کند. این بدان معناست که نویسنده سعی کرده است با تداعی تاریخی و فرهنگی، «فردیت» خود را که در نهایت منتهی به ساختن هویت خودی^۲ و هویت دیگری^۳ شده است، بسازد.

کلیدواژه‌ها: تصویرشناسی، الیف شافاک، حرامزاده استانبول، خودانگاره^۴، دگرانگاره^۵.

* نویسنده مسئول: khanbeigi.s@gmail.com

1. textual
2. Self-identity
3. Other-identity
4. Self-image
5. Other-image

۱. مقدمه

جهانی‌سازی و ارتباطات بین فرهنگی، تأثیر زیادی بر نویسندگان معاصر ملیت‌های مختلف؛ از جمله الیف شافاک، اورهان پاموک و هاروکی موراکامی داشته است و آن‌ها را به سمت استفاده از تصویرشناسی به عنوان وسیله‌ای هنری برای درک ادبیات ملل مختلف سوق داده است. «تصویرشناسی» پس از جنگ جهانی دوم، وارد حوزه ادبیات شد. این رویکرد، ویژگی‌ها و تصاویر خاص را به جوامع، ملل و نژادهای مختلف ارجاع می‌دهد و به عنوان یک روش کار در جامعه‌شناسی و علوم انسانی در نظر گرفته می‌شود تا درک درستی از مجموعه‌ای از «منطق گفتمان» و «بازنمایی» قراردادهای را پیش روی ما قرار دهد (لیرسون، ۲۰۱۶).

مفاهیم «تصویر» و «تخیل» از تجربه‌گرایی و ایده‌آل‌گرایی افلاطون و ارسطو آغاز شده است و دامنه آن تا طرح‌های پدیدارشناسی هوسرل و طرح‌های انتقادی زبان و تکنشتاین ادامه می‌یابد (روبلر، ۲۰۰۷).

از زمان انقلاب فرانسه و جنگ‌های ناپلئون، تصاویر به عنوان بازتابی از ملل و اقوام گوناگون، جایگاه ویژه‌ای در ادبیات و سیاست به دست آورده است. سپس در دوران روشنگری، تصاویر کشور آلمان و آلمانی‌ها مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفت. ماریو فرانسوا گویرد، از چهره‌های برجسته تحلیل‌های تقابلی در فرانسه است که در سال ۱۹۵۱ کتاب «ادبیات تطبیقی» را به چاپ رسانید. وی در بخش‌هایی از کتاب، به بررسی تصویر فرهنگ‌های بیگانه، به ویژه آلمان‌ها و انگلیسی‌ها در ادبیات فرانسه پرداخته است. او اذعان می‌دارد که تصویرشناسی در تجزیه و تحلیل تصاویر کلیشه‌ای از خود (خود انگاره‌ها) و تصاویر دیگران (دگر انگاره‌ها) تأثیر بسزایی دارد. تصویرشناسی به صورت تئوری بر مبنای نادیده انگاشتن و طرد تصاویر کلیشه‌ای قومی و ملی است.

با توجه به مفهوم تصاویر، میچل (۱۹۸۶) تصاویر را در پنج گروه ادراکی، گرافیکی، ذهنی، نوری و کلامی قرار می‌دهد. طرح‌ها معمولاً گرافیکی و انعکاس‌ها بصری و نوری هستند. پدیده‌ها، ادراکی و رؤیاها و ایده‌ها ذهنی هستند و در آخر، استعارات کلامی

هستند. تصاویر نمادین سایر سرزمین‌ها و مردمان می‌توانند در دو یا سه دسته قرار بگیرند؛ اما میچل معتقد است که آن‌ها عموماً ذهنی هستند. شولز (۲۰۰۴) با این ایده موافق است و معتقد است که این تصاویر ذهنی، در افکار و روح انسان‌ها جای گرفته‌اند. علاوه بر این، ایوان و پرایسلر (۲۰۰۶)، تصویرشناسی را در راستای روابط بین فرهنگی تعریف می‌کنند که به مطالعه خودانگاره‌ها و ادراک متقابل دو فرهنگ می‌پردازد. آن‌ها شباهت‌ها و تفاوت‌های عقیدتی و اجتماعی‌فرهنگی را در قالب دو گانه خوددیگری، تعریف می‌کنند و خودانگاره‌ها را وسیله‌ای می‌دانند که از طریق آن، خصوصیات و هویت فرهنگی، نژادی، اخلاقی، قومی و ملی خود و دیگری را بهتر درک کنیم. لارسیت (۲۰۱۸) باور دارد که تصویرشناسی برپایه ارتباط تنگاتنگی بین حقیقت و تخیل از یک طرف و بین تصویر و انعکاس آن از طرفی دیگر است. این بدان معناست که تصویرشناسی، سکویی انتزاعی است برای سازش، تخریب و بازسازی تصاویر قومی، ملی و نژادی خود و دیگری. او می‌گوید؛ تصاویری که از طریق تصویرشناسی خلق می‌شوند، محدود به فرد نیستند و دربرگیرنده هویت جمعی و نمایانگر ایدئولوژی و فرهنگ گروهی از مردم است. این تصاویر، به‌عنوان سازه‌های فرهنگی، یک جامعه را در برهه‌ای خاص از زمان به ما می‌شناساند و پایه‌های هویت ملی آن جامعه را بنا می‌سازد. سیموس (۲۰۱۱) در تأیید نظریه‌های سایر محققین، می‌افزاید که هویت، مفهومی قابل تغییر است و در امتداد زمان دستخوش تغییر و تحول می‌شود. پس می‌توان گفت که هویت، مفهومی پویاست که در تقابل با دیگری، متحول و اصلاح می‌شود. در نتیجه، نقش ادبیات به‌عنوان قلمرویی که در آن، صدای دیگری منعکس می‌شود، حائز اهمیت است.

لیرسون (۲۰۱۶) راجع به مقوله «گونه‌های قوم‌نگاری»^۱ در تصویرشناسی سخن می‌گوید و آن‌ها را خصایل و ویژگی‌هایی می‌داند که به‌طور کلیشه‌ای به جوامع مختلف نسبت داده شده است. او همچنین می‌گوید که این گونه‌های قومی، معمولاً در دو گروه متفاوت قرار می‌گیرند، آن‌ها یا صریح و واضح هستند یا ضمنی و تلویحی؛ به عبارت دیگر

1. ethnotype

خودانگاره و دگرانگاره، در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند و همین امر باعث تفاوت در پیش‌زمینه جوامع گوناگون می‌گردد.

لیرسون معتقد است که قوم‌نگاری، بر تفاوت‌ها تأکید دارد و شباهت‌های بین جوامع را نادیده می‌گیرد تا بتواند جوامع را از یکدیگر متمایز کند. او سپس به بررسی روش‌شناسی در تصویرشناسی می‌پردازد و سه روش بینامتنی^۱، متنی^۲ و پیرامتنی^۳ را برای تحلیل متون ارائه می‌دهد.

روش بینامتنی، بازنمایی‌های ادبی یک جامعه را که در اثر ادبی منعکس شده است در بازه زمانی مشخصی، تحلیل می‌کند تا این شناخت را به دست دهد که آیا در گذر زمان، خلاهای شخصیتی پدید آمده است یا خیر.

روش متنی، شرایط سیاسی، تاریخی و اجتماعی یک اثر را مورد بررسی قرار می‌دهد و جامعه موردنظر را از این سه رهگذر مطالعه می‌کند.

روش تحلیل پیرامتنی، به ابعاد اجتماعی، تاریخی و سیاسی می‌پردازد و قوم یا جامعه موردنظر را با توجه به آن شرایط، مورد مطالعه قرار می‌دهد. در نتیجه محقق باید به ادبیات جامعه موردنظر اشراف داشته باشد.

روش متنی، تجزیه و تحلیل اثر ادبی، برای تعیین ژانر غالب است. این بدان معناست که موضع متن را مورد تحقیق قرار می‌دهد و میزان نزدیکی شخصیت‌های ملی درون متن را با شخصیت‌های ملی دیگری مشخص می‌کند.

تحقیق حاضر، به منظور مطالعه نقش تصویرشناسی در ادبیات و تأثیر آن بر رمان حرامزاده استانبول، نوشته الیف شافاک است که پرفروش‌ترین کتاب در سال ۲۰۰۶ بوده است.

1. intertextual
2. textual
3. contextual

پیشینه

۲. مبانی نظری و اصطلاحات

پیکره‌ای که برای تحقیق حاضر در نظر گرفته شده است، رمان دوم الیف شافاک، با نام «حرامزاده‌ی استانبول» می‌باشد. رمانی که پس از انتشارش با انتقادات تند بسیاری مواجه شد. منتقدین ترک‌زبان، باور داشتند که این اثر از الیف شافاک، توهینی به فرهنگ و جامعه‌ی ترک‌هاست. داستان در بستر جامعه‌ی آمریکایی و ترکی اتفاق می‌افتد و نویسنده، خواننده را با دوران دهشتناکی از تاریخ ترکیه (نسل‌کشی ارمنی‌ها توسط ترک‌ها) مواجه می‌سازد. «حرامزاده» که در قلب داستان قرار دارد، دختری از تبار ترک‌ها به نام «آسیا» است. دختر نوزده ساله‌ای که زندگی‌اش را بر مبنای مکتب اگزیستانسیالیسم جلو می‌برد. در سوی دیگر داستان، دایی آسیا است که همراه با همسر و دختر ارمنی‌اش آرمانشدر آریزونا زندگی می‌کند و این آرمانش است که به آسیا در مسیر جستجوی هویت گمشده‌شان ملحق می‌شود و برای این کار، مخفیانه و بدون اطلاع پدر و مادرش به ترکیه سفر می‌کند.

تصویرشناسی، به عنوان روشی شناخته‌شده در علوم انسانی به کار گرفته می‌شود تا هنجارهای فرهنگی و ادبی یک ملت را نمایان سازد. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، این رویکرد با اتکا به سه روش به بررسی گونه‌های قومی و ملی می‌پردازد که در این تحقیق روش سوم که بررسی متنی نام دارد، برای تحلیل اثر الیف شافاک به کار رفته است و هدف غایی آن، به تصویر کشیدن گونه‌های فرهنگ ترک در مقابل گونه‌های فرهنگ ارمنی و آمریکایی می‌باشد. برای دستیابی به این مهم، طبق آنچه کوریلوا و بووا (۲۰۱۰) در تحقیق خود استفاده کرده‌اند، چند مقوله از ده درون‌مایه‌ی بنیادین تعاملات بینا فرهنگی که عبارت‌اند از: ساختمان‌ها و بناها، اثاث منزل، خوراک و پوشاک، مردم و مشاغل، لباس و جامه، موسیقی، مصالح ساختمانی، مفاهیم انتزاعی، امکانات حمل‌ونقل و اعضای بدن، مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است.

الیف شافاک

الیف شافاک در سال ۱۹۷۳ در فرانسه متولد شد و دوران نوجوانی و جوانی‌اش را در اسپانیا گذراند، سپس به موطن خود ترکیه بازگشت. او در شهرها و ایالت‌های متعددی زندگی کرده است و درون‌مایه اصلی تمامی رمان‌های او، چندفرهنگی و چندملیتی بودن است. او از طریق رمان‌ها و شخصیت‌های کتابش، درک خود از دنیای اطرافش را نشان می‌دهد و چیزی که در آثارش به چشم می‌خورد، حس «تردید و تعلیق» قهرمان داستان است که هویت گم‌شده خود را جستجو می‌کند. اینکه فرهنگ غربی در آثار الیف شافاک نقش بسزایی دارد، مورد بحث بسیاری از محققان از جمله، کراس (۲۰۱۳)، فورلانتو (۲۰۱۳) و چیرا (۲۰۱۵) بوده است.

شافاک همیشه در نوشته‌هایش، مفاهیم بینا فرهنگی را درهم می‌آمیزد و حتی واژگان زبان‌های دیگری همچون فرانسوی و انگلیسی را در نوشتار خود به کار می‌گیرد. برای مثال، او کتاب دومش را به زبان انگلیسی نوشته است که می‌تواند به دلایل متعددی باشد. نخست اینکه در رمان حاضر، موضوعی را مطرح می‌کند که ممکن است برای ترک‌ها جدید باشد و در نتیجه، استفاده از زبان مادری نتواند جان کلام را منتقل سازد. احتمال دیگر، این است که استفاده از زبان انگلیسی این امکان را به نویسنده می‌دهد که خود را آزادانه‌تر ابراز کند و از محدودیت‌های زبان مادری‌اش رها باشد. رمان‌های شافاک، مملو از تصاویر غربی و اروپایی است و آنچه درون‌مایه رمان حاضر را تشکیل می‌دهد، عبارت است از: روابط خانوادگی، تفاوت نسل‌ها، هویت و چند فرهنگی.

نگاهی کوتاه به «حرام‌زاده استانبول»

آسیا کازانچی، دختر نوزده ساله‌ای است که همراه با زنان دیگری که خاله‌ها، مادر و مادر بزرگ او هستند، در استانبول زندگی می‌کند. او سرکش و برآشفته است در حالی که

خاله‌هایش، صبور و متین هستند. او از طرفداران پروپاقرص جانی کش^۱ به حساب می‌آید و موسیقی او را بی‌اندازه دوست دارد. در نبود خانواده‌اش سیگار می‌کشد و در کلاس‌های رقص باله شرکت نمی‌کند تا بتواند با گروهی از هنرمندان و نویسندگان عجیب و غریب معتقد به مکتب اگزیستانسیالیسم در کافه‌ای بنشیند و گفتگو کند. او این حجم از خشم و سرکشی را از مادر زیبایش که او را «خاله سلیها» صدا می‌کنند به ارث برده است. خاله سلیها تنها نوزده سال داشت که آسیا متولد شد و حال صاحب یک سالن تنو است. سلیها همیشه هویت پدر آسیا راحتی از مادر و خواهرهایش مخفی نگاه داشته است و این مسئله که آسیا یک حرامزاده است، به تدریج چنان او را دچار بحران کرده است که با پدیدار شدن دختر آمریکایی ارمنی تباری که آرمانوش نام دارد، تصمیم می‌گیرد به مبارزه با این چالش برود.

آرمانوش چکمکچیان، دختر دایی ناتنی آسیا، در کالجی در آریزونا مشغول به تحصیل است. او نیز که بیشتر عمرش را با پدر و خانواده ارمنی‌اش گذرانده است و حال با مادر آمریکایی و ناپدری ترکش زندگی می‌کند، بر آن شده که ریشه‌های درخت اصالتش را باز بجوید و به دنبال اثری از هویت واقعی‌اش برود. در نتیجه، بدون اطلاع خانواده‌اش به ترکیه سفر می‌کند تا از طرفی در گذشته‌اش کنکاش کند و از طرف دیگر احساسات بیمارگونه‌ای را که نسبت به ترک‌ها دارد، برطرف کند. وقتی در این سفر، با خانواده ناپدری‌اش، مصطفی، ملاقات می‌کند، آسیا را می‌بیند و متوجه می‌شود که هر دوی آن‌ها به دنبال کشف هویت فردی و قومی خود هستند.

۳. یافته‌ها

بررسی عامل‌های زبانی و فرهنگی در طول رمان، حاکی از آن است که نفوذ فرهنگ غربی در فرهنگ ترک‌ها، قابل انکار نیست و نویسنده کوشیده است تا تصاویری از فرهنگ

۱. Johnny Cash: خواننده آمریکایی تبار که آهنگ‌هایش حول سه محور اساسی اندوه، رنج‌های اخلاقی و

رستگاری می‌چرخد.

ترک‌ها را نیز به خواننده بشناساند. در رمان حاضر، المان‌های ترکی و غیر ترکی به‌وفور به چشم می‌خورد. این تصاویر و المان‌ها با جزئیات بیشتری در ادامه بررسی خواهد شد.

۱-۳. موسیقی

یکی از تصاویری که غالباً در این اثر به چشم می‌خورد، استفاده از آهنگ و موسیقی و تأثیر آن بر شخصیت‌های داستان است. موسیقی قادر است تصویر شفافی از بستر زندگی آدم‌ها، تجربیات آن‌ها و احوال درونی‌شان را منعکس سازد. بی‌تردید، در حرامزاده استانبول، موسیقی یکی از ابزارهایی است که شخصیت‌های رمان را به هم پیوند می‌دهد و باعث می‌شود میان دنیای احساسات آن‌ها پلی بنا شود. همان‌طور که دوستی و نزدیکی آرمانوش و آسیا با صحبت راجع به موسیقی دلخواهشان آغاز می‌گردد.

«کافه کوندرا، کافه کوچکی در یک خیابان تنگ و پریچ‌وخم، در بخش اروپایی استانبول بود» (شافاک، ۲۰۱۸: ۸۶).

«اگر می‌خواست برای مهمانان قطعه‌ای اجرا کند، سراغ آهنگسازان کاملاً متفاوتی می‌رفت. غربی‌ها مثل بتهوون، موزارت، شومن و برای مناسبت‌های خاص که شخصیت‌های دولتی و زنان نازپروردشان حضور داشتند، ریچارد واگنر» (همان: ۱۵۳).

۲-۳. اسباب و اثاثیه

اثاثیه منزل به‌عنوان سمبل‌های نمادین هر ملیت، در تمام داستان حضور پیدا می‌کنند. شافاک این فضا را برای خواننده به وجود می‌آورد تا از طریق اسباب و اثاثیه منزل به دنیای درونی شخصیت‌های داستان راه پیدا کند. او در بخش‌هایی از داستان، با توصیف اسباب خانه‌های ترک‌ها و ارامنه، خواننده را به خود وامیگذارد تا خود به وجوه شخصیتی پرسناژها پی ببرد.

«ویتترین چوب‌کنده کاری‌شده که پشت در شیشه‌ایش، فنجان‌های لب‌طلایی، سرویس چای‌خوری و کلی عتیقه‌جات قرار داشتند، پیانوی کنار دیوار، فرش دست‌بافت، پتوهای رنگا رنگ» (همان: ۱۷۰).

«فرش‌های ترکی، چراغ‌های مطالعه‌ی آنتیک، مبل‌مان نا مانوس...» (همان: ۱۸۳)

۳-۳. مفاهیم انتزاعی

یکی از مفاهیم انتزاعی که نقش کلیدی در رمان دارد، دین و مذهب است. اشاره‌های مداوم به تمسک به مذهب رؤیت می‌شود. برای مثال، نشانه‌هایی چون جن، درخت طوبی، باکرگی، ازدواج، فرزندآوری و مادرشدن، مرتب تکرار می‌شود.

گویی شافاک «چندگانگی» را به تصویر می‌کشد که می‌خواهد تمامی قومیت‌ها، نژادها، اقشار و مذاهب را باهم آشتی دهد. او رد پاهایی از دین اسلام را از طریق شخصیت «خاله بانو» به مخاطبش می‌شناساند و از طرفی دیگر، مسئولیت معرفی دین مسیحیت را به عهده‌ی شخصیت دیگری که «مادرزبرگ شوشان» نام دارد، می‌گذارد. او تمثیل سنت آنتونیوس^۱ را بر گردن دارد و هرگاه که در حال مراقبه است، آن را در دستش می‌فشارد. آن‌ها در زمان‌های متفاوتی که در حال عبادت و توسل به مذهب هستند، از طریق دیالوگ‌های خود، باورهای دو مذهب اسلام و مسیحیت را معرفی می‌کنند.

«گاهی خودش را با آن موجود اسرارآمیز که در قرآن از آن یادشده و در روز قیامت ظاهر خواهد شد، مقایسه می‌کرد» (همان: ۷۳).

«روی مدال آنتونیوس مقدس که همیشه بر گردن داشت، دست کشید. قدیسی که در رابطه با اشیای گمشده، به او روی می‌آوردند، در گذشته، بارها به او کمک کرده بود تا با از دست دادن خیلی چیزها کنار بیاید» (همان: ۶۱).

«پیامبر ما، محمد، دوست دارد که ما غذایمان را با دیگران قسمت کنیم» (همان: ۳۰). جستجوی هویت در یک جامعه‌ی چند فرهنگی، یکی از مباحث غالبی است که نویسنده به آن می‌پردازد. سه شخصیت، در طول داستان، نقش مهم و اساسی را در سفری اکتشافی به درون خود شروع می‌کنند تا زندگی و موطن خود را باز یابند. برای مثال،

1. Saint Anthony

آرمانوش که اصالتاً ارمنی‌آمریکایی است، به این حقیقت می‌رسد که ریشه‌های ترک‌تبار نیز دارد.

در تمام طول داستان، تزلزل‌های شخصیتی و هویتی، بسیار چشمگیر است. مصطفی‌برادر سلیها که به او در اوایل جوانی تجاوز کرده است، نماد گناهی برای نسل‌کشی ارمنی است که بر دوش ترک‌ها سنگینی می‌کند. مصطفی چنین فکر می‌کند که با رفتن به دنیای غرب، می‌تواند هویت جدیدی را برای خودش بسازد؛ اما تلاش او بی‌ثمر می‌ماند و در نهایت با خودکشی او در موطنش خاتمه می‌یابد.

شخصیت سوم، آسیا است. خواننده او را «حرامزاده» این داستان می‌داند. آسیا از تکاپو برای دانستن هویت پدرش آزرده و خسته است. آنچه میان این سه شخصیت، مشترک است، این است که بین آنچه هستند و آنچه نیستند، در تعلیق و نوسان‌اند و این تعلیق‌ها تا زمانی که حقیقت بر آن‌ها روشن می‌شود ادامه دارد.

«بدون تاریخ و رنج قومی، بدون نام‌هایی که اسمش در زبان نمی‌گشت و بدون فامیل عریض و طویل...» (همان: ۴۷).

«مصطفی می‌دانست که اینجا در آمریکا، امکانش را داشت، نه امکان ساخت آینده‌ای بهتر، بلکه امکان خلاص شدن از گذشته» (همان: ۵۴).

«سیاست‌مداران غرب فکر می‌کنند که دره‌ای عمیق میان تمدن شرق و غرب وجود دارد، ای کاش موضوع به این سادگی بود. عمیق‌ترین دره، میان این ترک‌ها و آن ترک‌هاست» (همان: ۹۱).

شخصیت‌های کتاب در تعامل با نویسندگان، شاعران، خوانندگان و حتی فیلسوفان مشهوری نیز هستند. این مشاهیر، چنان شخصیت‌های کتاب را تحت تأثیر قرار داده‌اند که آسیا این مشاهیر را که عمدتاً غربی هستند، به مشاهیر ترک سرزمینش ترجیح می‌دهد. آسیا حتی معتقد است که آموزه‌های این مشاهیر، به حدی او را افسرده می‌کند که دیگر در مقابل افسردگی بی‌حس شده و احساس شعف می‌کند.

«شامشان کپی دو تابلوی اکسپرسیونیستی بود. بشقاب آرمانوش بر پایه‌ی یکی از تابلوهای فرانسیسکو بورتی طراحی شده بود و بشقاب مات از یکی از تابلوهای مارک روتکو» (همان: ۱۲۱)

«من فلسفه می‌خوانم. بیش از همه فلسفه‌ی سیاسی. بنجامین، آدرنو، گرامشی و بیش از همه دلوز. از چیزهای انتزاعی خوشم می‌آید» (همان: ۱۹۲).

۳-۴. لباس و زیورآلات

نحوه‌ی پوشش شخصیت‌های کتاب نیز به گونه‌ای تفصیلی توصیف شده است تا خواننده را به عمق وجود شخصیت‌ها ببرد. اگرچه اشاره‌هایی که به چگونگی پوشش شخصیت‌ها شده است به اندازه‌ی سایر نمادها پررنگ نیست؛ اما نمی‌توان آن را نیز نادیده گرفت. برای مثال، شافاک برای اینکه خاله سلیها را به عنوان زنی سنت‌شکن و سرکش در جامعه‌ی ترک‌ها به تصویر بکشد به توصیف لباس‌های او می‌پردازد. در مقابل خاله سلیها، خاله بانو قرار دارد که همیشه روسری و لباس بلند می‌پوشد و به واسطه‌ی ایمانش با عالم غیب در ارتباط است. «کیف چهل تکه و کلی زینت‌آلات، گردنبندی از گوی‌های شیشه‌ای، دستبند و تقریباً در هر انگشت، یک حلقه‌ی نقره‌ای. در کنار او آرمانوش با کت و شلوار لی، خیلی ساده به نظر می‌رسید» (همان: ۱۸۶).

«به این حلقه‌ی دماغ. به این همه آرایش، دامن مینی‌ژوپ دل به هم‌زن و این کفش پاشنه بلند نگاه کن» (همان: ۳۷).

۳-۵. خوراک و نوشاک

رمان حاضر، همچنین آکنده از اشاراتی به نوع غذاهای ملیت‌های ترک، آمریکایی و ارمنی است و نگرش شخصیت‌های کتاب، نسبت به این خوراک‌ها، بخش قابل‌توجهی از متن کتاب را تشکیل می‌دهد. شافاک با استفاده از آشپزی ترک‌ها، نه تنها ارزش‌ها و هنجارهای جامعه‌ی ترک را بررسی می‌کند، بلکه سمبل خوراک، یکی از راه‌هایی است که شخصیت‌ها از طریق آن، به تعامل با یکدیگر می‌پردازند. شخصیت‌های زن داستان، عمدتاً مشغول

آماده‌سازی و پخت غذا هستند و این کار، از چنان اهمیتی برای آن‌ها برخوردار است که همچون آیینی از یک نسل به نسل بعدی منتقل می‌شود. این مسئله در دیالوگ‌های مادر بزرگ کلثوم و مادر بزرگ شوشان، هنگام آماده‌سازی غذاهای محلی‌شان مشاهده می‌شود.

نویسنده همچنان هر فصل از کتاب را با مواد تشکیل‌دهنده یک دسر معروف ترکی نام‌گذاری کرده است که در میان ترک‌ها، نماد «تداوم و ثبات» است (جواد، ۲۰۱۸). همچنین، نحوه پذیرایی و آیین مهمان‌نوازی نیز، بخش دیگری را تشکیل می‌دهد و نشان‌دهنده آن است که مردمان هر ملیتی، چگونه خوراک و غذاهایشان را تحسین می‌کنند. در مقابل زنان ترک تبار داستان، «رز» قرار دارد که نماد فرهنگ و جامعه آمریکاست. او نماد مدرنیته است و تمام همت خود را به کار بسته است تا همسرش را که اصالتاً ترک است از غذاهای دوران کودکی‌اش دور نگه دارد و صراحتاً نفرت خود را از آشپزی و غذاهای ترکی و ارمنی اعلام می‌دارد.

«خدا حافظ دلمه بادمجان! خدا حافظ دلمه کلم، خدا حافظ غذاهای عجیب و غریب خارجی! با دیدن این چاوارما^۱ حالش به هم می‌خورد» (همان: ۴۷).
«صبحانه را از مدت‌ها پیش بر میز کشویی چیده بودند... زیتون سیاه بود، زیتون سبز پر شده با فلفل، پنیر گوسفندی، پنیر گیس‌بافت، تخم‌مرغ پخته...» (همان: ۱۳۹).
«به سمت پارچ دوغ که با مقدار زیادی یخ آمریکایزه شده بود رفت» (همان: ۵۹).

نتیجه‌گیری

تاریخچه تصویرشناسی از اوایل قرن نوزدهم آغاز می‌گردد و به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از ادبیات تطبیقی و در راستای مطالعه دگرانگاره‌ها، کلیشه‌ها، اساطیر و الگوهای ذهنی به ادبیات راه پیدا می‌کند. هدف تصویرشناسی در واقع تحلیل روابط بینا فرهنگی و تفسیر نمادهای دیگری می‌باشد. تحقیق حاضر، متمرکز بر مقوله‌های فرهنگی و هویتی از منظر

۱. Kavarma: خوراکی با گوشت گوسفند که در گیلان هم به آن چغرده می‌گویند.

تصویرشناسی است و برای دستیابی به این منظور، رمان انگلیسی حرامزاده‌ی استانبول، اثر الیف شافاک انتخاب شده است. هدف الیف شافاک از نگارش این کتاب، به فراموشی نسپردن فاجعه‌ی تاریخی نسل‌کشی ارمنه، توسط ترک‌هاست. شافاک برای این منظور، قهرمان داستان را در نبردی بی‌وقفه، برای جستجوی هویت و گذشته‌ی نامعلومش به تصویر می‌کشد. او جامعه‌ی امروزی ترکیه را به خواننده معرفی می‌کند و خواننده در طول داستان درمی‌یابد که این جامعه تا چه اندازه تحت تأثیر نفوذ فرهنگ غربی‌ها قرار گرفته است. هم‌جواری ارجاعات و المان‌های شرقی و غربی در روایت داستان، از ابتدا تا انتها مشهود است.

محققان این تحقیق معتقدند، برخلاف آنچه در مقالات پیشین آمده است، الیف شافاک تنها به تصویرپردازی جامعه‌ی غرب در کتابش پرداخته است، بلکه تمامی تصاویر جوامع غربی در مقابل تصویری از ترکیه به‌عنوان جامعه‌ای شرقی قرار گرفته است. به‌بیان دیگر، می‌توان گفت؛ خودنگاره‌ها و دگرنگاره‌ها به‌موازات هم به معرفی نمادهای غرب و شرق پرداخته‌اند. آن‌ها بر این باور هستند که حتی نمی‌توان به قطعیت اذعان داشت که فرهنگ و تفکر غربی در جایگاه برتری قرار گرفته است، بلکه ارزش‌ها و المان‌های فرهنگی غرب و شرق در جوار یکدیگر به تصویرسازی کمک کرده‌اند.

تعارض منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تعارض منافی ندارند.

References

- Ameur, H. K. (2018/2019). Hybrid Cultural Identities in Elif Shafak's *The Bastard of Istanbul*. *Hybrid Cultural Identities in Elif Shafak's The Bastard of Istanbul*. Algeria: UNIVERSITY OF MOHAMED BOUDIAF-M"SI LA.
- Beller, M. (2007). Perception, Image, Imagology. In *Imagology: The Cultural Construction and Literary Representation of National Characters*. Amsterdam.
- Chira, R. G. (2015). INTERCULTURAL COMMUNICATION AND LITERATURE: Elif Shafak, *The Bastard of Istanbul*. *The Journal of Linguistics and Intercultural Education*, 73-85.
- Dukic, D. (2014). *The Concept of Cultural Imagery*. University of Zagreb.
- Furlanetto, E. (2013). THE 'RUMI PHENOMENON' BETWEEN ORIENTALISM AND COSMOPOLITANISM The Case of Elif Shafak's *The Forty Rules of Love*. *European Journal of English Studies*, 201-213.
- Giirbiiz, N. (2016). Multicultural Identity in Elif Shafak's *Honour*. *Conference of the Polish Association for the Study of English*. Szczyrk, Poland.
- Jawad, T. (2018). Food: An Expression of Turkish Culture and Tradition in Elif Shafak's *The Bastard of Istanbul*. *International Journal of English Language Literature and Social Sciences*, 680-683.
- Krause, M. (2013). The Culinary Language of Insular and Global Souls in Elif Shafak's *The Bastard of Istanbul*. *Journal of Turkish Literature*, 88-107.
- Kuryleva, A. a. (2010). Literary Texts by H.Murakami in Terms of Intercultural Communication. *Intercultural Communication Studies*, 168-175.
- Laurušaitė, L. (2018). *Imagology Profile*. Cambridge Scholars Publishing.
- Leerssen, J. (2006). History and Method of Imagology in Literary Studies. *Imagology: The Cultural Construction and Literary Representation of National Characters*(13).
- Leerssen, J. (2016). Imagology: On Using Ethnicity to Make Sense of the World. *Imagology*, 13-31.
- Menent, M. (2018). Images as Clusters of Meaning. *New Perspectives on Imagology* (p. 5). Vienna, Austria: University of Vienna.
- Mitchelle, W. (1986). *Iconology: Image, Text, Ideology*. Chicago.
- Mohor-Ivan, I., & Praisler, M. (2006). Some Theoretical Considerations on Imagology. *Language and Literature*, 69-74.
- Pegulescu, A. (2016). Literal Meaning and Indirect Speech Act in Elif Shafak's Novel *The Bastard of Istanbul*. *Gidni*, 697-704.

- Radu, D. (2015). Multiculturalism, Identity, and Family Ties in Elif Shafak's "The Bastard of Istanbul". *GIDNI* (pp. 286-289). Tîrgu-Mureş: Arhipelag XXI Press.
- Scholz, O. R. (2004). *Bild, Darstellung, Zeichen: Philosophische Theorien Bildhafter. Darstellung*.
- Shafak, E. (2005, September 25). In Istanbul, A crack in the Wall of Denial. (T. W. Post, Interviewer)
- Shafak, E. (2006). *The Bastard of Istanbul*. Penguin Books.
- Simoës, M. J. (2011). *Theoretical Intersections in Literary Imagology: Imagotypes and the Imaginary*. Centre de Literature Portuguesa.

استناد به این مقاله: احمد خان بیگی، سبیده. (۱۴۰۴). مطالعه‌ی تصویرشناسی در رمان ناپاک‌زاده‌ی استانبول، اثر الیف شافاک، دو فصلنامه‌ی مطالعات تطبیقی و میان‌رشته‌ای ادبیات، ۱(۱)، ۲۹۱-۳۰۶. DOI: 10.22054/CISL.2025.53631.1000



Comparative and Interdisciplinary Studies of Literature licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.